

رابطه بین ویژگی های خاص شرکت و افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری

علیرضا اسکندری^{۱*}

محمد محمدی^۲

حجت بخشی زاده محمودی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

چکیده

هدف این تحقیق بررسی رابطه بین ویژگی های خاص شرکت و افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری بوده است. قلمرو مکانی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی سال های بین ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ بوده و با روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۳۶ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده است. برای جمع داده ها از مراجعه به صورت های مالی، یادداشت های توضیحی و ماهنامه بورس اوراق بهادار و به منظور توصیف و تلخیص داده ها از آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. در تحلیل داده ها آزمون F لیمر، آزمون هاسمن و برای تایید و رد فرضیه ها (نرم افزار ایویوز) استفاده گردیده است. نتایج نشان داد بین ویژگی های خاص شرکت مشتمل بر اندازه شرکت؛ سودآوری؛ اهرم مالی؛ نقدشوندگی و کارایی شرکت با افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی

افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری، اندازه شرکت، سودآوری، اهرم مالی، نقدشوندگی.

۱. استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی رسام، کرج، ایران. (نویسنده مسئول: a.eskandari@rasam.ac.ir).

۲. گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی پرندک، ساوه، ایران. (MKZ.mohamadi@gmail.com)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی پرندک، ساوه، ایران.

۱- مقدمه

اصل "افشای کامل" بدین معنی است که هیچ اطلاعات مهمی که مورد علاقه و توجه یک سرمایه گذار معمولی باشد نباید حذف یا پنهان شود. اصطلاح افشا در گسترده ترین مفهوم خود به معنای ارائه اطلاعات می باشد. حسابداران از این عبارت به صورت محدودتری استفاده می کنند و منظور آن ها انتشار اطلاعات مالی مربوط به یک شرکت در گزارش های مالی (معمولاً در قالب گزارش های سالانه) است. انتشار اطلاعات در ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد اغلب تحت عنوان شناخت و اندازه گیری مدنظر قرار می گیرد؛ بنابراین در محدودترین مفهوم، افشای اطلاعات شامل بحث و تحلیل های مدیریت، یادداشت های همراه صورت های مالی و صورت حساب های مکمل است. افشای داوطلبانه، ارائه ی مزاد بر الزام قانونی اطلاعات است. از طرفی نسبت های مالی غیررسمی در گزارش های سالانه شرکت ها به کاربران این امکان را می دهد تا سودآوری، توانایی پوشش بدهی های کوتاه مدت و بلند مدت را ارزیابی کنند و توانایی شرکت را برای تعدیل تغییرات بازار تعیین کنند. تصمیم برای افشای اکثر این نسبت ها در گزارش های سالانه بر عهده مدیریت است. افشای نسبت های حسابداری ابزاری کارآمد و ساده برای تجزیه و تحلیل در اختیار کاربران قرار می دهد که درک کاربران از صورت های مالی غیررسمی را افزایش می دهد. با برجسته کردن عملکرد همراه با عملکرد تاریخی، فعلی و آینده شرکت، می توان موفقیت و شکست کسب و کار را پیش بینی کرد. استفاده کنندگان از صورتهای مالی می توانند عملکرد یک شرکت را فقط با مشاهده چند نسبت حسابداری به جای خواندن کل صورت های مالی ارزیابی کنند. این نسبت ها محتوای اطلاعاتی را در خصوص صورت های مالی برای استفاده کنندگان فراهم می کنند تا بتوانند شرکت ها را با یکدیگر مقایسه کنند. در تجزیه و تحلیل روند، نسبت های حسابداری عملکرد مقایسه ای یک شرکت واحد را در یک دوره ارائه می دهند. ارزش نسبت های حسابداری و محتوای اطلاعات آنها در مقابل عدم اطمینان کاربر کاهش می یابد که در نهایت می تواند منجر به کاهش هزینه سرمایه شود (زینی و همکاران^۱، ۲۰۱۸).

در مقایسه با شرکتهای کوچک، شرکتهای بزرگتر در تولید اطلاعات متحمل هزینه های افزایشی کمتری می شوند و شرکت های بزرگتر احتمالاً به دلیل تنوع بیشتر در خطوط تولید و مناطق جغرافیایی وسیع تری که در آن تجارت می کنند، از جمله در بازارهای خارج از کشور، پیچیده تر خواهند بود؛ بنابراین، لازم است تا مدیریت مقدار قابل توجهی از اطلاعات را تولید کند تا به انواع مختلفی از کاربران در تصمیم گیری های مربوط به تجارت و سرمایه گذاری مربوط به این شرکت ها کمک کند. همچنین شرکتهای بزرگتر معمولاً بیشتر از شرکتهای کوچک تر به دنبال تأمین مالی از طریق بورس سهام هستند و ممکن است در جهت منافع خود به این نتیجه دست یابند که اطلاعات بیشتری را افشا کنند. از طرفی پیش بینی می شود که هزینه های نمایندگی برای شرکتهایی که در ساختار سرمایه خود بدهی بیشتری دارند، بیشتر باشد. با افزایش میزان اهرم شرکت، طلبکاران خواستار افشای اطلاعات بیشتر می شوند تا بتوانند توانایی شرکت را در انجام تعهدات بدهی خود ارزیابی کنند و ممکن است یک رابطه بین اهرم و افشاگری شرکت ایجاد گردد. شرکتهای می توانند نسبت های حسابداری را به عنوان یک سیگنال مثبت مبنی بر ایفاء تعهدات بدهی ارائه دهند تا نشان دهد که مدیر از آینده شرکت اطمینان دارد. همچنین می توان ادعا کرد شرکت هایی که سود بالایی کسب می کنند تمایل دارند اطلاعات دقیق تری را افشا کنند تا کیفیت آنها را برای ذینفعان مختلف نشان دهد. این امر به مدیران این امکان را می دهد که موقعیت های خود را تأمین کنند و جبران خسارت بهتری دریافت کنند. شرکتهایی که سود کمی دارند ممکن است تمایل به افشای اطلاعات کمتری داشته

¹ Zaini et al

باشند تا دلایل کاهش سود خود را پنهان کنند. مدیران شرکتهایی که عملکرد ضعیفی دارند ممکن است انگیزه ای برای افشای اطلاعات درآمد بد شرکتهایشان داشته باشند تا احتمال بروز هزینه های قانونی مربوط به عدم افشای اطلاعات را کاهش دهند. همینطور نسبت نقدینگی برای ارزیابی توانایی شرکت در تأمین بدهی های کوتاه مدت استفاده می شود. شرکتی که سود بسیار بالایی کسب می کند، ممکن است گاهی به دلیل عدم انجام تعهدات بدهی کوتاه مدت، خود را ورشکسته کند. یک شرکت با نسبت نقدینگی بالاتر انتظار می رود تا کسب و کار را بهتر اداره کند و از نظر مالی در وضعیت بهتری قرار داشته باشد تا به تعهدات کوتاه مدت خود عمل کند. این، به نوبه خود، به مدیران انگیزه می دهد تا اطلاعات بیشتری را برای نشان دادن شیوه های تجاری خود به سرمایه گذاران افشا کنند و خود را از سایر شرکت های دارای نقدینگی و موقعیت های مالی ضعیف متمایز نماید. با وجود یافته های متفاوت گزارش شده در مطالعات گذشته و با توجه به تئوری سیگنالینگ، انتظار می رود تا شرکت های با نقدینگی بیشتر احتمال افشای اطلاعات بیشتری نسبت به شرکت های دارای موقعیت نقدینگی ضعیف داشته باشند. نسبت های کارآیی نیز توانایی یک شرکت را در استفاده از دارایی ها و بدهی های خود برای فروش اندازه گیری می کند. طبق تئوری سیگنالینگ، انتظار می رود که یک رابطه مثبت بین افشای داوطلبانه و کارایی وجود داشته باشد. مدیران شرکتهای بسیار کارآمد تمایل دارند اطلاعات بیشتری را افشا کنند تا کیفیت مدیریت و عملکرد شرکتشان را نشان دهند و بنابراین خود را از دیگران در بازار متمایز کنند (حداد و همکاران^۱، ۲۰۲۰، ۳۱۱)؛ بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده در این بخش سوال اصلی پژوهش این گونه تدوین می گردد که رابطه بین ویژگی های خاص شرکت و افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری چگونه است؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

زیربنای نظری ارتباط بین افشای داوطلبانه و سایر مشخصات شرکتهای عمدتاً از تئوری نمایندگی و تئوری علامت دهی گرفته شده است. تئوری نمایندگی نشان می دهد که مدیران شرکتهایی که هزینه های نمایندگی بالایی دارند، سعی می کنند با افزایش سطح افشای داوطلبانه بیش از آنچه در قوانین، مقررات و دستورالعمل های افشای مورد نیاز است، این هزینه ها را کاهش دهند (جنسن و مککلینگ^۲، ۱۹۷۶). مشکل نمایندگی فرض می کند سهامداران یا مدیران به گونه ای فرصت طلبانه عمل می کنند تا منافع شخصی خود را به حداکثر برسانند و بنابراین، انتظار می رود تضاد منافع ایجاد شود. برای حل این مشکل، مدیران ممکن است تصمیم بگیرند که اطلاعات بیشتری را به صورت داوطلبانه افشا کنند و در نتیجه سرمایه گذاران را قادر می سازند ارزیابی کنند که آیا منابع شرکت در جهت منافع صاحبان خارجی آن مدیریت شده است (هیلی و پالپو^۳، ۲۰۰۱). نظریه علامت دهی همچنین مشکلات مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی موجود در بازارها را توضیح می دهد که مدیرانی که به اخبار خوب واقعی دسترسی دارند ممکن است به سرمایه گذاران تضمین یا ضمانتی برای تقویت سیگنال خود و تفکیک آنها از بنگاه های اقتصادی ارائه دهند که گمراه کننده یا بی کیفیت هستند. در یک سناریوی افشای داوطلبانه، از یک طرف، یک مدیر اطلاعات بیشتری را منتشر می کند، وقتی چنین اطلاعاتی ارزش شرکت را افزایش می دهد تا بازار میانگین ارزیابی خود را بزرگتر فرض کند، در نتیجه باعث می شود که ارزیابی شرکت به سمت بالا تجدید نظر شود. از طرف دیگر، مدیرانی که اطلاعاتی دارند که ارزش شرکت را کاهش می دهد و انگیزه ای برای گفتن چیزی نداشته باشند. همچنین ممکن است سرمایه گذاران سکوت را به عنوان جلوگیری از بدترین اطلاعات ممکن

¹ Haddad et al

² Jensen & Meckling

³ Healy & Palepu

تفسیر کنند؛ بنابراین، مدیران انگیزه‌ای برای انتشار کلیه اطلاعات، اعم از خبرهای بد و خوب دارند که منجر به یک سیاست افشای کامل می‌شود (پتل^۱، ۱۹۷۶). این مطالعه ویژگی‌های خاص شرکت را بررسی می‌کند که ممکن است بر افشای نسبت‌های حسابداری تأثیر بگذارد که می‌تواند تحت دو دسته قرار گیرد: متغیرهای مربوط به ساختار و عملکرد. متغیرهای مربوط به ساختار از اندازه شرکت و اهرم و متغیرهای مرتبط با عملکرد شامل سودآوری، نقدینگی و کارایی هستند.

عوامل مختلفی به ارتباط مثبت بین اندازه یک شرکت و میزان افشای نسبت داوطلبانه آن مرتبط است. اولاً، در مقایسه با شرکت‌های کوچکتر، شرکت‌های بزرگتر برای تولید اطلاعات متحمل هزینه‌های افزایشی کمتری می‌شوند (لانگ و لوندلم^۲، ۱۹۹۳). دوم، شرکت‌های بزرگتر با تنوع بیشتر در خطوط تولید و مناطق جغرافیایی گسترده تری که در آن تجارت می‌کنند، از جمله در بازارهای خارج از کشور، پیچیده تر خواهند بود؛ بنابراین، مدیریت ملزم به تولید مقادیر قابل توجهی اطلاعات است تا به چندین نوع مختلف از کاربران در تصمیم‌گیری در مورد تجارت / سرمایه‌گذاری مربوط به این شرکتها کمک کند. سوم، شرکت‌های بزرگتر معمولاً بیشتر از شرکت‌های کوچکتر تمایل به تأمین مالی از طریق بورس دارند و بنابراین، ممکن است افشای اطلاعات به نفع خودشان باشد. چهارم، نظریه نمایندگی نشان می‌دهد که هرچه شرکتها بزرگتر می‌شوند، مدیریت از سهامداران دورتر می‌شود و بنابراین انتظار می‌رود که وقتی شرکت‌های بزرگتر اطلاعات بیشتری را افشا می‌کنند، این ممکن است هزینه نمایندگی آنها را کاهش دهد. مطالعات در مورد افشای ارتباط مثبت بین افشای داوطلبانه و اندازه شرکت پشتیبانی می‌کند (حداد و همکاران، ۲۰۱۵) که این امر منجر به تدوین فرضیه اول می‌گردد. از طرفی می‌توان ادعا کرد شرکت‌هایی که سود بالایی کسب می‌کنند تمایل دارند اطلاعات دقیق تری افشا کنند تا کیفیت آنها را به ذینفعان مختلف نشان دهند. این، به نوبه خود، به مدیران امکان می‌دهد موقعیت‌های خود را تأمین کرده و تریبات جبران خسارت بهتری دریافت کنند. شرکت‌هایی که سود کمی دارند ممکن است تمایل به افشای اطلاعات کمتری داشته باشند تا دلایل کاهش سود خود را پنهان کنند. با این حال، همچنین می‌توان ادعا کرد که مدیران شرکت‌هایی که عملکرد ضعیفی دارند، ممکن است انگیزه‌ای داشته باشند که در یک فرصت اولیه اطلاعات مربوط به درآمد بد شرکت‌های خود را افشا کنند تا احتمال تحمیل هزینه‌های قانونی مربوط به عدم افشای اطلاعات که این امر منجر به تدوین فرضیه دوم می‌گردد.

شرکت‌ها ممکن است نسبت‌های حسابداری را به عنوان یک نشانه مثبت مبنی بر نقض عهد بدهی توسط شرکت ارائه دهند و مدیر از آینده شرکت اطمینان دارد. با این حال، نتایج مربوط به ارتباط بین افشای داوطلبانه و اهرم مالی در مطالعات مختلف متفاوت است. به عنوان مثال، لان و همکاران^۳ (۲۰۱۳) به ترتیب در سطوح افشای داوطلبانه و اهرم مالی به ترتیب در نیوزیلند و چین ارتباط مثبت یافت. با وجود نتایج مختلفی که در مطالعات قبلی گزارش شده است، ما انتظار داریم که شرکت‌های شورای همکاری خلیج فارس با اهرم بالا احتمالاً اطلاعات بیشتری را برای تأمین نیاز کاربران افشا کنند که این امر منجر به تدوین فرضیه سوم می‌گردد.

همچنین می‌توان گفت که یک شرکت با نسبت نقدینگی بالاتر در نظر گرفته شده است که یک کسب و کار بهتر را اداره می‌کند و بنابراین، در موقعیت مالی بهتری برای انجام تعهدات کوتاه مدت خود است. این، به نوبه خود، به مدیران انگیزه خواهد داد تا اطلاعات بیشتری را برای نشان دادن شیوه‌های کاری خود به سرمایه‌گذاران و تفکیک خود از سایر شرکت -

¹ Patell

² Lang & Lundholm

³ lan et al

های دارای نقدینگی و موقعیت مالی ضعیف، افشا کنند. مطالعات تجربی در مورد رابطه بین نقدینگی و افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری نیز شواهد متفاوتی را نشان داد. در حالی که والاس و همکاران^۱ (۱۹۹۴) رابطه منفی بین سطح افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری و نقدینگی در اسپانیا را گزارش داد. با توجه به تئوری علامت دهی گزارش شده است، فرض می شود که با نقدینگی بیشتر احتمال دارد اطلاعات بیشتری از شرکت های دارای موقعیت نقدینگی ضعیف افشا گردد که این امر منجر به تدوین فرضیه چهارم می گردد.

از طرف دیگر نسبت های کارایی توانایی شرکت را در استفاده از دارایی ها و بدهی های خود برای تولید فروش اندازه گیری می کند. طبق تئوری علامت دهی، ما انتظار داریم که رابطه مثبتی بین افشای نسبت داوطلبانه شرکت و کارایی آن که با رشد آن اندازه گیری می شود، داشته باشد. مدیران شرکتهای بسیار کارآمد تمایل دارند اطلاعات بیشتری را افشا کنند تا کیفیت مدیریت آنها و عملکرد شرکشان را نشان دهند و بنابراین خود را از دیگران در بازار متمایز کنند. به ویژه، ما انتظار داریم که شرکتهای منطقه خلیج فارس که رشد درآمد بالایی را تجربه می کنند، به عنوان یک معیار کارایی، انگیزه هایی برای ارائه اطلاعات بیشتر داشته باشند تا سطح کارایی بالای آنها را نشان دهند و بنابراین، در بازار جذاب تر شوند که این امر منجر به تدوین فرضیه پنجم پژوهش می گردد.

در داخل کشور در این زمینه سورمه و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین مدیریت سود و افشای داوطلبانه نشان می دهند که اندازه حساب های تعهدی اختیاری این شرکتهای با شاخص هزینه های دعاوی قضایی مورد انتظار، یعنی احتمال وجود دعاوی و یا مقادیر خسارات احتمالی تعیین شده برای شاکیان، در ارتباط است و حساب های تعهدی مثبت اختیاری شرکتهایی که مدیران آنها سود را بیش از حد برآورد کرده اند، منعکس کننده تاثیر انگیزه های مختلف مدیریت سود و تاثیر همزمانی احتمالی بین تصمیمات مدیریتی انتشار پیش بینی سود و مدیریت سود گزارش شده نیست. برخلاف یافته های شرکتهایی که مدیران آنها سود را بیش از حد گزارش کرده اند، هیچ شواهدی وجود ندارد که نشان دهد مدیرانی که سود را کمتر از حد برآورد کرده اند، سود گزارش شده را نیز کمتر از حد گزارش می کنند. حسینی عمران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین افشای اطلاعات، رشد شرکت و هزینه سرمایه نشان داد که بین هزینه سرمایه و رشد شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که بین افشا و هزینه سرمایه رابطه ای معنادار وجود ندارد. ابراهیم آبادی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین ویژگی های شرکتی و افشای داوطلبانه اطلاعات دریافت که اندازه شرکت رابطه معناداری مثبت، نسبت بدهی و نسبت سودآوری رابطه معناداری معکوس با کیفیت افشای داوطلبانه دارند.

فتوره چی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان ارتباط بین اندازه شرکت و افشای داوطلبانه پایداری محیط زیست نشان می دهد که در مجموع، اندازه شرکت (دارایی کل شرکت) و سودآوری بر افشای داوطلبانه پایداری محیط زیست تاثیر مثبت و معنی داری دارد. قائمی و محمدرضایی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین افشای نسبت های مالی در گزارش های سالیانه و نظام راهبری شرکت دریافتند که بین میزان افشای نسبت های مالی با اندازه شرکت، بازده سهام و امتیاز کیفیت افشا، رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین میزان افشای نسبت های مالی با درصد سهام شناور آزاد می باشد. آقازاده و گرکز (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه ساختار مالکیت با افشای داوطلبانه گزارش های سالیانه دریافتند که از بین متغیرهای در نظر گرفته شده تحقیق درصد سهام متعلق به مالکان

¹ Vallas et al

دولتی و مالکان نهادی رابطه معناداری با افشای داوطلبانه اطلاعات در گزارش‌های سالیانه دارد؛ اما نتایج این تحقیق رابطه معناداری بین تعداد سهامداران عمده با افشای داوطلبانه اطلاعات نشان ندادند. مقامی و حسن نتاج (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان بررسی محتوای اطلاعاتی نسبت های حسابداری در ارتباط با پیش بینی سودآوری آتی دریافتند که جریان وجوه نقد عملیاتی هر سهم محتوای اطلاعاتی بیشتری نسبت به سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم در ارتباط با پیش بینی سودآوری آتی شرکت ها را دارد. مهدوی و عزیزاده طلائی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و سطح افشای داوطلبانه دریافتند که با افزایش تعداد مدیران غیرموظف در هیأت مدیره، سطح افشای داوطلبانه شرکت‌ها افزایش می‌یابد و هم چنین یکسانی رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل باعث کاهش سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌ها می‌شود؛ اما بین مالکیت نهادی و سطح افشای داوطلبانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد. کاشانی پور و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین ساختار هیأت مدیره و مالکیت شرکت با افشای داوطلبانه دریافتند که رابطه معنی‌دار و مثبتی بین نسبت اعضای غیرموظف و مالکیت شرکتی با افشای اختیاری وجود دارد. بین اندازه هیأت مدیره، مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی‌ها افشای اختیاری رابطه معنی داری یافت نشد. ستایش و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان ویژگی شرکت‌ها و افشای داوطلبانه نمودارها در گزارش‌های سالانه شرکت‌های ایرانی دریافتند که اندازه شرکت، سودآوری، نوع حسابرس و ساختار مالکیت شرکت با سطح افشای داوطلبانه نمودارها رابطه‌ای ندارند.

در خارج از کشور نیز حداد و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان رابطه بین ویژگی‌های خاص شرکت و افشای داوطلبانه نسبت‌های حسابداری دریافتند که افشای داوطلبانه نسبت‌های حسابداری ارائه شده در گزارش‌های سالانه شرکت - های شورای همکاری خلیج فارس بسیار کم است. به طور متوسط، یک شرکت شورای همکاری خلیج فارس در گزارش - های سالانه خود حداکثر دو نسبت حسابداری را فاش می‌کند و نسبت‌های سودآوری بیشترین افشا را دارند. با کنترل سلطه اعضای خانواده، نتایج همچنین نشان می‌دهد که متغیرهای مربوط به ساختار (اندازه شرکت و اهرم) با افشای نسبت حسابداری ارتباط مثبت دارند. با این حال، متغیرهای مربوط به عملکرد (سودآوری، نقدینگی و کارایی) تأثیر قابل توجهی در افشای اطلاعات ندارند. لما و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان ریسک شرکت، افشای داوطلبانه و هزینه سرمایه: شواهد آفریقای جنوبی دریافتند که افشای داوطلبانه پس از کنترل ریسک شرکت، با کاهش هزینه کلی (و سهام) سرمایه همراه است. همچنین شرکتهایی که ریسک بالاتری دارند تمایل دارند که افشای داوطلبانه با کیفیت بهتری را ارائه دهند و احتمال ریسک بالا را برای جلوگیری از واکنشهای منفی بازار ناشی از پنهان کردن اطلاعات، نشان دهند. ایل دیفتار و همکاران^۳ (۲۰۱۷)، در تحقیقی به بررسی تاثیر ناهمگونی سهامداران بر افشای داوطلبانه و شفافیت صورت‌های مالی دریافتند که اثرات مثبت قابل توجهی از هر دو مالکیت بانکی و مالکیت خارجی در تاثیر بر افشای داوطلبانه و شفافیت، وجود دارد که در میان چهار ویژگی شرکتی که در تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است، اندازه شرکت تنها تاثیر مثبتی بر افشای داوطلبانه و شفافیت داشته است. ستا و همکاران^۴ (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی ماهیت افشای داوطلبانه در شرکت‌ها با اندازه متوسط با تمرکز بر کیفیت ارتباطات با شرکت‌های دیگر پرداختند و به این نتیجه رسیدند که میان

¹ Haddad et al

² Lemma et al

³ El-Diftar et al

⁴ Satta et al

مالکیت اقلیت و کمیته حسابرسی با افزایش کیفیت سطح افشای داوطلبانه ارتباط مثبت معناداری وجود دارد؛ میان مالکیت مدیریتی و اندازه هیئت مدیره با افزایش کیفیت سطح افشای داوطلبانه ارتباط منفی معناداری وجود دارد؛ همچنین میان حضور مالکان نهادی و مدیران غیرموظف با افزایش کیفیت سطح افشای داوطلبانه ارتباطی وجود ندارد. لیس و همکاران^۱ (۲۰۱۵)، در بررسی ارتباط بین کیفیت سود، افشا داوطلبانه، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام دریافتند که افشای داوطلبانه به طور مستقیم با سرمایه حقوق صاحبان سهام و به طور غیر مستقیم از طریق عدم تقارن اطلاعاتی با سرمایه حقوق صاحبان سهام رابطه ای معناداری و این رابط بعد از کنترل کیفیت سود نیز پایدار است.

مومن و همکاران^۲ (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط ارزشی افشای داوطلبانه ریسک در گزارش سالانه دریافتند که پیش بینی قیمت سهام سود آتی رابطه مثبتی با سطح افشای داوطلبانه ریسک شرکت دارد و ارتباط بین افشای ریسک داوطلبانه و پیش بینی قیمت سهم سود آتی برای شرکت هایی با هزینه های اختصاصی بالا ضعیف تر است. یور و همکاران^۳ (۲۰۱۴)، به بررسی متغیرهای تاثیر گذار بر افشا پرداختند و دریافتند که این متغیرهایی همچون (اندازه شرکت، اندازه شرکت حسابرسی، نسبت مدیران غیرموظف، مالکیت شرکتی و نهادی) با افشای اختیاری رابطه مثبت و بین اهرم و مالکیت سهامداران اقلیت با افشای اختیاری رابطه منفی و در نهایت بین متغیرهایی همچون (سودآوری، عمر شرکت، اندازه هیأت مدیره) با افشای اختیاری رابطه معنی داری یافت نشد. نورهانی و همکاران (۲۰۱۱)، در بررسی دورنمای گزارش اختیاری در خصوص نسبت های مالی افشا شده در گزارش های سالانه شرکت های استرالیایی دریافتند که بین اندازه شرکت و میزان افشای نسبت های مالی رابطه مستقیم وجود دارد. ولی بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سرمایه با میزان افشای نسبت های مالی رابطه ای وجود ندارد. عبدالله و همکاران^۴ (۲۰۰۸)، در پژوهشی با عنوان افشای نسبت های داوطلبانه حسابداری توسط شرکت های ذکر شده در مالزی دریافتند که میزان افشای نسبت داوطلبانه کم است و اندازه، صنعت و همچنین نقدینگی به طور قابل توجهی در گزارش نسبت ها در گزارش های سالانه شرکت ها تأثیر می گذارد. نتایج این یافته ها مورد بحث قرار گرفت. پترسن و پلنبرگ^۵ (۲۰۰۶)، در بررسی تأثیر افشای داوطلبانه بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت های صنعتی بورس کپنهاگ نشان داد که بین افشای داوطلبانه و معیارهای اندازه گیری عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی وجود دارد و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و نسبت گردش، معیارهای اندازه گیری مناسبی برای عدم تقارن اطلاعاتی هستند.

۳- فرضیه های پژوهش

با توجه به عنوان پژوهش و چارچوب نظری فرضیه پژوهش به صورت زیر ارائه می گردد:

- فرضیه ۱: بین اندازه شرکت و افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۲: بین سودآوری شرکت و افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۳: بین اهرم مالی شرکت و افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۴: بین نقدشوندگی شرکت و افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۵: بین کارایی شرکت و افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

¹ Lisa et al

² Moumen et al

³ Uyar et al

⁴ Bin Abdullah et al

⁵ Petersen & Plenborg

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار دارد، از لحاظ ماهیت در زمره پژوهش‌های توصیفی و از نظر روش نیز در دسته پژوهش‌های همبستگی محسوب می‌گردد. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای و در بخش داده‌های پژوهش از مراجعه به صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی و ماهنامه بورس اوراق بهادار استفاده شده است. به منظور توصیف و تلخیص داده‌های جمع‌آوری شده از آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. به منظور تحلیل داده‌ها ابتدا پیش‌آزمون‌های ناهمسانی واریانس، آزمون F لیمر، آزمون هاسمن و آزمون جارک-برا و سپس برای تأیید و رد فرضیه پژوهش نرم افزار Eviews استفاده گردیده است.

۴-۱. جامعه آماری و انتخاب نمونه

جامعه آماری، این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که طی سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۹ در بورس اوراق بهادار تهران حضور داشته‌اند که بر اساس روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۳۶ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش جهت آزمون فرضیه آماری انتخاب شده است.

۴-۲. مدل و متغیرهای پژوهش

بر اساس پژوهش حداد و همکاران (۲۰۲۰) جهت اظهار نظر در باره فرضیه اول پژوهش مدل (۱) برآورد می‌گردد:

$$TDISC = \beta_0 + \beta_1 MV + \beta_2 SR + \beta_3 IR + \beta_4 CAS + \epsilon \quad (1)$$

درباره فرضیه دوم پژوهش مدل (۲) برآورد می‌گردد:

$$TDISC = \beta_0 + \beta_1 ROE + \beta_2 SR + \beta_3 IR + \beta_4 CAS + \epsilon \quad (2)$$

درباره فرضیه سوم پژوهش مدل (۳) برآورد می‌گردد:

$$TDISC = \beta_0 + \beta_1 TLTA + \beta_2 SR + \beta_3 IR + \beta_4 CAS + \epsilon \quad (3)$$

درباره فرضیه سوم پژوهش مدل (۴) برآورد می‌گردد:

$$TDISC = \beta_0 + \beta_1 CURRATIO + \beta_2 SR + \beta_3 IR + \beta_4 CAS + \epsilon \quad (4)$$

بر اساس پژوهش حداد و همکاران (۲۰۲۰) جهت اظهار نظر در باره فرضیه اول پژوهش مدل (۵) برآورد می‌گردد:

$$TDISC = \beta_0 + \beta_1 GROWTH + \beta_2 SR + \beta_3 IR + \beta_4 CAS + \epsilon \quad (5)$$

در مدل مذکور داریم:

TDISC: افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری

MV: اندازه شرکت

ROE: سودآوری

TLTA: اهرم مالی

CURRATIO: نقد شوندگی

GROWTH: کارایی شرکت

SR: مالکیت دولتی

IR: سود عملیاتی

CAS: جریان نقد عملیاتی (حداد و همکاران، ۲۰۲۰). در ادامه شیوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود:

۴-۲-۱. متغیر وابسته پژوهش

الف- افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری: تعداد موارد افشای مرتبط با نسبت های حسابداری (مالی) در گزارشات سالانه شرکت ها (حداد و همکاران، ۲۰۲۰).

۴-۲-۲. متغیر مستقل

ویژگی های خاص شرکت مشتمل بر:

- الف- اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام در پایان سال مالی (شاهعلیزاده و همکاران، ۱۳۹۲).
- ب- سودآوری: از بازده حقوق صاحبان سهام که از نسبت سود خالص بر ارزش سرمایه به دست می آید محاسبه می شود (شاهعلیزاده و همکاران، ۱۳۹۲).
- ج- اهرم مالی: برابر است با نسبت کل بدهی بر کل دارایی های شرکت (حداد و همکاران، ۲۰۲۰).
- د- نقد شوندگی: برابر است با نسبت دارایی های جاری بر بدهی های جاری (حداد و همکاران، ۲۰۲۰).
- ه- کارایی شرکت: معادل رشد فروش است که برابر است با تفاوت فروش دوره جاری از فروش دوره قبل بر فروش دوره قبل (حداد و همکاران، ۲۰۲۰).

۴-۲-۳. متغیرهای کنترلی

الف- مالکیت دولتی: در صورت مالکیت دولتی برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر می باشد (لین و همکاران، ۲۰۲۰). طبق ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور، شرکت دولتی واحد سازمانی می باشند که بنا به اجازه قانون تشکیل شده و بیش از ۵۰ درصد از سهام آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم متعلق به دولت باشد. در این تحقیق برای متغیر وابستگی دولتی، متغیر مجازی قرار داده شده است، به نحوی که اگر شرکتی بیش از ۵۰ درصد سهام آن متعلق به دولت باشند مقدار یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود که جهت اندازه گیری و تشخیص در صد سهام متعلق به دولت، ابتدا بر اساس یادداشتهای همراه، اطلاعات مربوط به ساختار مالکیت استخراج می گردد، به گونه ای که کلیه درصدهای سهام در اختیار شرکتهای دولتی با هم جمع می گردد، اگر درصد مذکور از ۵۰ درصد بیشتر باشد، می توان گفت مالکیت شرکت دولتی است و در غیر این صورت غیر دولتی است.

ب- سود عملیاتی: نسبت سود عملیاتی دوره جاری به سود عملیاتی دوره قبل (لین و همکاران، ۲۰۲۰)،

ج- جریان نقد عملیاتی: نسبت جریان نقد عملیاتی بر کل سود عملیاتی (لین و همکاران، ۲۰۲۰).

۵- تحلیل داده‌های پژوهش

۱-۵. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پیش از آزمون فرضیه‌ها، متغیرها به صورت خلاصه در جدول (۱) مورد بررسی قرار می‌گیرد:

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی

عنوان متغیرها شاخص های	افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری	اندازه شرکت	سودآوری	اهرم مالی	نقد شوندگی	کارایی شرکت	مالکیت دولتی	سود عملیاتی	جریان نقد عملیاتی
توصیفی	TDISC	MV	ROE	TLTA	CURRATIO	GROWTH	SR	IR	CAS
میانگین	13/090	15/427	1/0584	0/5577	1/6470	0/3409	0/1165	1/6369	0/8325
میانه	13/000	15/390	0/4500	0/5600	1/3300	0/2100	0/0000	1/1750	0/7400
ماکسیمم	20/000	21/720	64/400	1/0000	27/100	6/5900	1/0000	137/79	31/280
مینیمم	8/0000	9/9100	-5/5500	0/0300	0/1700	-0/9100	0/0000	-62/480	-29/750
انحراف معیار	2/1200	1/8182	2/7328	0/1965	1/5809	0/6240	0/3211	5/9260	3/4587
چولگی	0/0988	0/2507	14/314	-0/1635	7/6281	3/9797	2/3892	12/221	0/4575
کشیدگی	3/2782	2/9732	310/42	2/4489	93/369	33/036	6/7085	314/35	38/219
مشاهدات	952	952	952	952	952	952	952	952	952

منبع: (یافته‌های پژوهشگر)

در جداول (۱) میانگین نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع بوده و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست که برای متغیر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری برابر ۱۳/۰۹ است. میانه برای متغیر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری برابر ۱۳ است که نشان می‌دهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند همچنین یکسان بودن مقدار میانگین و میانه نشان‌دهنده نرمال بودن این متغیر می‌باشد. شاخص‌های پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. انحراف معیار یکی از مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی است که متغیر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری برابر ۲/۱۲ می‌باشد. مقدار ضریب چولگی برای متغیر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری مثبت و نزدیک صفر می‌باشد که نشان می‌دهد توزیع نرمال و خیلی کم چوله به راست می‌باشد و برای تمام متغیرها کشیدگی مثبت است.

۲-۵. آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

جهت بررسی پایایی متغیرها، از آزمون لوین و لین استفاده شده که نتایج در جدول (۲)، ارائه گردیده است:

جدول ۲: نتایج آزمون آزمون لوین و لین

نام متغیرها	نماد متغیرها	آماره ی آزمون لوین، لین و چو	سطح معناداری	نتیجه
افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری	TDISC	-13/6663	0/0000	I(0)
اندازه شرکت	MV	-2/04728	0/0203	I(0)
سودآوری	ROE	-16/2989	0/0000	I(0)
اهرم مالی	TLTA	-8/81857	0/0000	I(0)
نقد شوندگی	CURRATIO	-4/74180	0/0000	I(0)
کارایی شرکت	GROWTH	-10/1495	0/0000	I(0)
مالکیت دولتی	SR	-3/79609	0/0001	I(0)
سود عملیاتی	IR	-34/5434	0/0000	I(0)
جریان نقد عملیاتی	CAS	-25/5776	0/0000	I(0)

منبع: (یافته های پژوهشگر)

براساس مقادیر ارائه شده در جدول (۲)، سطح معنی داری در همه متغیرها کمتر از ۰/۰۵ و نشان می دهد که از مرتبه صفر و در سطح مانا هستند این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ ثابت بوده است و نشان می دهد پایایی متغیرها می باشد.

۳-۵. ثابت بودن واریانس جمله خطا (باقیمانده ها)

جهت بررسی ناهمسانی واریانس باقیمانده ها، از آزمون LR استفاده شده که نتایج در جدول (۳)، ارائه گردیده است:

جدول ۳: نتایج آزمون LR

ردیف	نوع آماره	مقدار آماره	احتمال
فرضیه ۱	آماره F	17/31524	0/0000
فرضیه ۲	آماره F	13/94628	0/0000
فرضیه ۳	آماره F	19/67779	0/0000
فرضیه ۴	آماره F	12/96274	0/0000
فرضیه ۵	آماره F	15/05737	0/0000

منبع: (یافته های پژوهشگر)

بر اساس مقادیر ارائه شده در جدول (۳)، در این آزمون فرض بر ناهمسانی واریانس باقیمانده ها است که با توجه به جدول فوق و معنادار بودن مدل فرضیه ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ مبنی بر وجود ناهمسانی واریانس پذیرفته می شود. در حالت ناهمسانی

واریانس از روش ols نمی‌توان برای تخمین استفاده کرد بنابراین برای رفع مشکل ناهمسانی از روش GLS برای تخمین مدل فرضیه ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ استفاده می‌شود.

۴-۵. آزمون‌های تشخیصی در داده‌های ترکیبی

نتایج آزمون در جدول (۴)، ارائه گردیده است:

جدول ۴: نتایج آزمون آلفا و هاسمن

نتیجه	سطح معنی داری	آزمون هاسمن	نتیجه	سطح معنی داری	آزمون اف لیمر
فرضیه ۱	0/0312	10/618543	تابلویی	0/0000	7/844655
فرضیه ۲	0/0296	10/747054	تابلویی	0/0000	8/737109
فرضیه ۳	0/0057	14/549742	تابلویی	0/0000	8/491036
فرضیه ۲	0/0030	16/030689	تابلویی	0/0000	8/218047
فرضیه ۳	0/0115	12/944714	تابلویی	0/0000	9/553409

منبع: (یافته‌های پژوهشگر)

براساس مقادیر ارائه شده در جدول (۴)، روش داده‌های تابلویی برای مدل فرضیه ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ پذیرفته شده است و با توجه به مدل فرضیه ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ احتمال آزمون کای دو کمتر از ۵٪ شده است بنابراین از اثرات ثابت جهت تخمین و تجزیه و تحلیل مدل فرضیه ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ استفاده می‌شود.

۵-۵. خلاصه تجزیه و تحلیل فرضیه پژوهش

۱-۵-۵. آزمون فرضیه اول

نتایج فرضیه اول پژوهش به شرح جدول (۵)، می‌باشد:

جدول ۵: خلاصه نتایج الگوی فرضیه اول

نتیجه	سطح معناداری	آماره-Z	خطای استاندارد	ضرایب		
مثبت	0/0000	23/16275	0/360491	8/349968	α_0	عرض از مبدأ
مثبت	0/0000	13/21050	0/023040	0/304375	MV	اندازه شرکت
مثبت	0/0000	6/801629	0/079325	0/539539	SR	مالکیت دولتی
منفی	0/0356	-2/105034	0/006423	-0/013520	IR	سود عملیاتی
بی‌معنی	0/5384	0/615548	0/007619	0/004690	CAS	جریان نقد عملیاتی
0/839513					ضریب تعیین	
0/812040					ضریب تعیین تعدیل شده	
30/55823					آماره-F	
0/000000					سطح معناداری	
1/620154					دوربین واتسون	

منبع: (یافته‌های پژوهشگر)

در جدول (۵)، احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای اندازه شرکت، مالکیت دولتی و سود عملیاتی بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار می باشد؛ و ضریب برآورد شده توسط نرم افزار برای متغیر اندازه شرکت بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری مثبت و معنی دار می باشد؛ و متغیر جریان نقد عملیاتی بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری بیشتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار نمی باشد بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیرها در مدل بی معنی می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده قدرت توضیح دهندگی متغیرهای مستقل را نشان می دهد که قادر است به میزان ۸۱٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. احتمال آماره F بیانگر این است که کل مدل از لحاظ آماری معنی دار می باشد. مقدار دوربین واتسون ۱/۶۲ که مقدار این آماره در محدود ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد بنابراین استقلال پسماندهای مدل مورد تأیید قرار می گیرد. با توجه به فرضیه چون متغیر اندازه شرکت بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری مثبت و معنی دار می باشد. پس فرض H_0 رد می شود؛ یعنی بین اندازه شرکت و افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

۲-۵-۵. آزمون فرضیه دوم

نتایج فرضیه دوم پژوهش به شرح جدول (۶)، می باشد.

جدول ۶: خلاصه نتایج الگوی فرضیه دوم

نتیجه	سطح معناداری	آماره-Z	خطای استاندارد	ضرایب		
مثبت	0/0000	410/8423	0/032265	13/25569	α_0	عرض از مبدأ
مثبت	0/0000	6/353371	0/017973	0/114190	ROE	سودآوری
منفی	0/0334	-2/130285	0/113602	-0/242004	SR	مالکیت دولتی
بی معنی	0/3503	-0/934585	0/007657	-0/007156	IR	سود عملیاتی
بی معنی	0/6886	-0/400862	0/011445	-0/004588	CAS	جریان نقد عملیاتی
0/706122					ضریب تعیین	
0/653253					ضریب تعیین تعدیل شده	
99/03495					آماره-F	
0/000000					سطح معناداری	
1/611168					دوربین واتسون	

منبع: (یافته های پژوهشگر)

در جدول (۶)، احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای سودآوری، مالکیت دولتی بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار می باشد؛ و ضریب برآورد شده توسط نرم افزار برای متغیر سودآوری بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری مثبت و معنی دار می باشد؛ و متغیرهای سود عملیاتی و جریان نقد عملیاتی بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری بیشتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار نمی باشد بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیرها در مدل بی معنی می باشد. مقدار دوربین واتسون ۱/۶۱ که مقدار این آماره در محدود ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد بنابراین استقلال پسماندهای مدل مورد تأیید قرار می گیرد. با توجه به فرضیه چون متغیر سودآوری بر

افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری مثبت و معنی دار می باشد. پس فرض H_0 رد می شود؛ یعنی بین سودآوری شرکت و افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

۳-۵-۵. آزمون فرضیه سوم

نتایج فرضیه سوم پژوهش به شرح جدول (۷)، می باشد:

جدول ۷: خلاصه نتایج الگوی فرضیه سوم

نتیجه	سطح معناداری	آماره-Z	خطای استاندارد	ضرایب		
مثبت	0/0000	71/82698	0/162905	11/70101	α_0	عرض از مبدأ
مثبت	0/0000	8/938479	0/292442	2/613991	TLTA	اهرم مالی
مثبت	0/0027	-3/007833	0/122977	-0/369893	SR	مالکیت دولتی
بی معنی	0/1747	-1/358389	0/008222	-0/011169	IR	سود عملیاتی
بی معنی	0/5507	-0/596995	0/012033	-0/007184	CAS	جریان نقد عملیاتی
0/883646					ضریب تعیین	
0/863728					ضریب تعیین تعدیل شده	
44/36469					F-آماره	
0/000000					سطح معناداری	
1/635242					دوربین واتسون	

منبع: (یافته های پژوهشگر)

در جدول (۷)، احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای اهرم مالی شرکت و مالکیت دولتی بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماري معنی دار می باشد؛ و ضریب برآورد شده توسط نرم افزار برای متغیر اهرم مالی شرکت بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری مثبت و معنی دار می باشد؛ و متغیرهای سود عملیاتی و جریان نقد عملیاتی بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری بیشتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماري معنی دار نمی باشد بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیرها در مدل بی معنی می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده قدرت توضیح دهندگی متغیرهای مستقل را نشان می دهد که قادر است به میزان ۸۶٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. احتمال آماره F بیانگر این است که کل مدل از لحاظ آماري معنی دار می باشد. در اینجا مقدار دوربین واتسون ۱/۶۴ که مقدار این آماره در محدود ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد بنابراین استقلال پسماندهای مدل مورد تأیید قرار می گیرد. با توجه به فرضیه چون متغیر اهرم مالی شرکت بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری مثبت و معنی دار می باشد. پس فرض H_0 رد می شود؛ یعنی بین اندازه شرکت و افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

۴-۵-۵. آزمون فرضیه چهارم

نتایج فرضیه چهارم پژوهش به شرح جدول (۸)، می باشد:

جدول ۸: خلاصه نتایج الگوی فرضیه چهارم

نتیجه	سطح معناداری	آماره-Z	خطای استاندارد	ضرایب		
مثبت	0/0000	191/9726	0/070490	13/53218	α_0	عرض از مبدأ
مثبت	0/0000	6/395756	0/038906	0/248832	CURRATIO	نقد شوندگی
منفی	0/0489	- 2/038971	0/119780	- 0/244228	SR	مالکیت دولتی
بی-معنی	0/4128	- 0/819374	0/008072	- 0/006614	IR	سود عملیاتی
بی-معنی	0/6844	- 0/406606	0/011615	- 0/004723	CAS	جریان نقد عملیاتی
0/626832					ضریب تعیین	
0/562952					ضریب تعیین تعدیل شده	
75/03124					F-آماره	
0/000000					سطح معناداری	
1/637129					دوربین واتسون	

منبع: (یافته های پژوهشگر)

در جدول (۸)، احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای نقدشوندگی شرکت، مالکیت دولتی بر افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار می باشد؛ و ضریب برآورد شده توسط نرم افزار برای متغیر نقدشوندگی شرکت بر افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری منفی و معنی دار می باشد؛ و متغیرهای سود عملیاتی و جریان نقد عملیاتی بر افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری بیشتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار نمی باشد بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیرها در مدل بی معنی می باشد. مقدار دوربین واتسون ۱/۶۴ که مقدار این آماره در محدود ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد بنابراین استقلال پسماندهای مدل مورد تأیید قرار می گیرد. با توجه به فرضیه چون متغیر نقدشوندگی شرکت بر افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری مثبت و معنی دار می باشد. پس فرض H_0 رد می شود؛ یعنی بین نقدشوندگی شرکت و افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

۵-۵-۵. آزمون فرضیه پنجم

نتایج فرضیه پنجم پژوهش به شرح جدول (۹)، می باشد:

جدول ۹: خلاصه نتایج الگوی فرضیه پنجم

نتیجه	سطح معناداری	آماره-Z	خطای استاندارد	ضرایب		
مثبت	0/0000	366/9499	0/036153	13/26634	α_0	عرض از مبدأ
مثبت	0/0000	7/500604	0/053719	0/402927	GROWTH	کارایی شرکت
منفی	0/0390	- 2/212447	0/087650	- 0/193921	SR	مالکیت دولتی
بی-معنی	0/8010	- 0/252116	0/008528	- 0/002150	IR	سود عملیاتی
بی-معنی	0/2793	- 1/082596	0/013207	- 0/014298	CAS	جریان نقد عملیاتی
0/723614					ضریب تعیین	
0/673892					ضریب تعیین تعدیل شده	
71/71009					F-آماره	
0/000000					سطح معناداری	
1/537485					دوربین واتسون	

منبع: (یافته‌های پژوهشگر)

در جدول (۹)، احتمال آماره t برای ضریب ثابت و ضرایب متغیرهای کارایی شرکت، مالکیت دولتی بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری کمتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار می باشد؛ و ضریب برآورد شده توسط نرم افزار برای متغیر کارایی شرکت بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری مثبت و معنی دار می باشد؛ و متغیرهای سود عملیاتی و جریان نقد عملیاتی بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری بیشتر از ۵٪ است؛ لذا ارتباط فوق از لحاظ آماری معنی دار نمی باشد بنابراین با اطمینان ۹۵٪ این متغیرها در مدل بی معنی می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده قدرت توضیح دهندگی متغیرهای مستقل را نشان می دهد که قادر است به میزان ۶۷٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. احتمال آماره F بیانگر این است که کل مدل از لحاظ آماری معنی دار می باشد. مقدار دوربین واتسون ۱/۵۴ که مقدار این آماره در محدود ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد بنابراین استقلال پسماندهای مدل مورد تأیید قرار می گیرد. با توجه به فرضیه چون متغیر کارایی شرکت بر افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری مثبت و معنی دار می باشد. پس فرض H_0 رد می شود، یعنی بین کارایی شرکت و افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

۶- بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به دنبال رابطه بین ویژگی های خاص شرکت و افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری می باشد و در نهایت با توجه به نتایج فرضیه اول؛ به این نتیجه رسیدیم که اندازه شرکت بر افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری شرکت تاثیر معنادار و مستقیم دارد. استنتاج می شود؛ بر اساس نظریه نمایندگی می توان گفت که هرچه شرکت ها بزرگتر شوند، مدیریت از سهامداران دورتر می شود و بنابراین انتظار می رود که وقتی شرکت های بزرگتر اطلاعات بیشتری را افشا می کنند، این موضوع می تواند هزینه نمایندگی آنها را کاهش دهد؛ نتایج پژوهش تیلور و تاور^۱، (۲۰۱۱) و حداد و همکاران (۲۰۱۵)، نیز حاکی از ارتباط مثبت بین افشای داوطلبانه و اندازه شرکت می باشد. با توجه به نتایج فرضیه دوم؛ به این نتیجه رسیدیم که سودآوری شرکت بر افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری شرکت تاثیر معنادار و مستقیم دارد؛ استنتاج می شود؛ لذا می توان ادعا کرد شرکت هایی که سود بالایی کسب می کنند تمایل دارند اطلاعات دقیق تری را افشا کنند تا کیفیت آنها را به ذینفعان مختلف نشان دهند؛ در این راستا لان و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که این معیار های سودآوری با میزان افشاگری های داوطلبانه ارتباط مثبت دارد؛ که در راستای نتایج پژوهش حاضر می باشد. با توجه به نتایج فرضیه سوم؛ به این نتیجه رسیدیم که اهرم مالی شرکت بر افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری شرکت تاثیر معنادار و مستقیم دارد و لذا می توان استدلال نمود که هر چه هزینه های نمایندگی برای شرکت هایی که بدهی بیشتری در ساختار سرمایه خود متحمل می شوند بیشتر باشد، با افزایش قدرت اهرم شرکت، طلبکاران خواستار افشای اطلاعات بیشتری می شوند تا بتوانند توانایی شرکت را در انجام تعهدات بدهی خود ارزیابی کنند، تئوری علامت دهی نیز رابطه ای معنادار بین اهرم و افشا را نشان داده است؛ در این راستا حسین و همکاران (۱۹۹۵) و لان و همکاران (۲۰۱۳)، به ترتیب بین سطوح افشای داوطلبانه و اهرم مالی در نیوزیلند و چین ارتباط مثبت یافتند که در راستای نتایج پژوهش حاضر می باشد. با توجه به نتایج فرضیه چهارم؛ به این نتیجه رسیدیم که نقدشوندگی شرکت بر افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری شرکت تاثیر معنادار و مستقیم دارد و می توان گفت که یک شرکت با نسبت نقدشوندگی بالاتر؛ یک کسب و کار بهتر را اداره می کند و بنابراین، در موقعیت مالی بهتری برای انجام تعهدات کوتاه مدت خود است. این، به نوبه خود، به مدیران انگیزه خواهد داد تا اطلاعات بیشتری را برای نشان دادن شیوه های کاری خود به سرمایه گذاران و تفکیک خود از سایر شرکت های دارای نقدشوندگی و موقعیت مالی ضعیف، افشا کنند. با توجه به نتایج فرضیه پنجم؛ به این نتیجه رسیدیم که کارایی شرکت بر افشای داوطلبانه نسبت های حسابداری شرکت تاثیر معنادار و مستقیم دارد طبق تئوری علامت دهی، انتظار می رود که رابطه مثبتی بین افشای نسبت داوطلبانه شرکت و کارایی آن که با رشد آن اندازه گیری می شود، وجود داشته باشد؛ مدیران شرکت های بسیار کارا تمایل دارند اطلاعات بیشتری را افشا کنند تا کیفیت مدیریت آنها و عملکرد شرکتشان را نشان دهند و بنابراین خود را از دیگران در بازار متمایز کنند این نتایج در راستای نتایج پژوهش واتسون و همکاران (۲۰۰۲) می باشد. با توجه به نتایج حاصل از بررسی فرضیه اول؛ به مدیران شرکت ها پیشنهاد می شود که به میزان ارائه اطلاعات مربوط به پارامترهای مالی نظیر اندازه شرکت توجه نمایند تا آنها نیز دستکم با هدف ایجاد شهرت و تصویر مناسب، اقدام به افشای اطلاعاتی مشابه با بقیه شرکت ها نمایند. با توجه به فرضیه دوم؛ پیشنهاد میشود که سرمایه گذاران در ارزیابی شرکت های پذیرفته شده در بورس، علاوه بر بررسی وضعیت بازده حاصل از سهام شرکت، به روند سود دهی و میزان آن توجه نمایند و به سرمایه گذاران که از سرمایه گذاری در شرکت ها دارای اهداف بلندمدت (سود پایدار) هستند پیشنهاد می

¹ Taylor, G., & Tower

گردد به شاخص های مالی نظیر سودآوری شرکت توجه داشته باشند. با توجه به فرضیه سوم؛ به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می گردد از ابزارهای تشویقی برای افزایش افشای اطلاعات مالی نظیر اهرم مالی شرکت توسط شرکتها استفاده نماید. افزایش افشای اطلاعات مرتبط با ساختار سرمایه شرکتها می تواند منجر به افزایش اطلاعات در دسترس سرمایه گذاران و در نتیجه بهبود تصمیمات اقتصادی آنان گردد. با توجه به فرضیه چهارم؛ به سرمایه گذاران و استفاده کنندگان از اطلاعات مالی شرکتها پیشنهاد می شود هنگام سرمایه گذاری در سهام شرکتها به سایر جوانب موثر بر افشای اطلاعات نظیر نقدشوندگی شرکت توجه کنند؛ در نهایت به دانشگاهها توصیه می شود که راهکارهای افزایش افشای داوطلبانه نسبتهای حسابداری در دروس آموزشی حسابداری گنجانیده شود. سازمان بورس و حسابرسان نیز پیشنهاد می شود در رسیدگیهای خود به عامل نقدشوندگی شرکت توجه لازم را داشته باشند. با توجه به نتایج حاصل از بررسی فرضیه پنجم؛ میتوان ادعا نمود که کارایی شرکت، منتج به تغییر سطح افشای اطلاعاتی در ایران شده است که این موضوع برای سیاستگذاران سازمان بورس قابل تامل است و به آنها پیشنهاد می گردد تا اثربخشی و کارایی شفافیت اطلاعات در ایران را مورد توجه و در صورت لزوم مورد بررسی مجدد قرار دهند. به محققان پیشنهاد می گردد در پژوهش های آتی خود به بررسی مباحث زیر بپردازند:

- بررسی تاثیر سایر ویژگی های شرکت نظیر ساختار مالکیت، قیمت سهام، ریسک و... با میزان افشای داوطلبانه در گزارش های سالیانه.
 - پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی مطلوبیت نسبت های مالی افشا شده مورد بررسی قرار گیرد. به عنوان مثال شرکتی که دارای اهرم مالی بالایی میباشد ممکن است در افشای نسبت های بدهی احتیاط به خرج دهد.
 - می توان تاثیر شاخص های استفاده شده در این پژوهش را بر حسب طبقات مختلف افشای اختیاری از جمله اطلاعات تاریخی؛ اطلاعات آینده نگر و اطلاعات غیر مالی و... را بررسی کرد.
 - پیشنهاد میشود در پژوهشهای آینده به بررسی رابطه افشای داوطلبانه با مدل های ریاضی متفاوت تحلیل پوششی داده ها به عنوان معیار کارایی پرداخته شود.
- مهم ترین محدودیت پژوهش حاضر، عدم افشای کامل اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش می باشد. اطلاعات مربوط به کلیه متغیرهای پژوهش برای شرکت های بورسی به طور کامل در دسترس نیست. از این رو برای جلوگیری از جانب داری نتایج پژوهش، برخی سال - شرکت ها از نمونه آماری حذف شدند و این موضوع باعث کاهش حجم نمونه گردید.

منابع

۱. ابراهیم آبادی، زیبا؛ اسعدی، عبدالرضا. (۱۳۹۶). "بررسی رابطه بین ویژگی های شرکتی و افشای داوطلبانه اطلاعات در گروه زراعت و خدمات وابسته در بورس اوراق بهادار تهران"، پنجمین کنفرانس ملی و سومین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت.
۲. آقازاده، یاسر؛ گرکز، منصور. (۱۳۹۵). "بررسی رابطه ساختار مالکیت با افشای داوطلبانه گزارش های سالیانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پنجمین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین، گرگان: انجمن علمی و حرفه ای مدیران و حسابداران گلستان.
۳. حسینی عمران، مصطفی. (۱۳۹۹). "بررسی ارتباط بین افشای اطلاعات، رشد شرکت و هزینه سرمایه". چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۳(۲۶)، صص ۱۱۹-۱۳۰.

۴. ستایش، محمد حسین؛ نصیری، طاهره؛ عباس پور، سمیره. (۱۳۹۲). "ویژگی شرکت ها و افشای داوطلبانه نمودارها در گزارش های سالانه شرکت های ایرانی"، حسابداری، پاسخگویی و منافع جامعه، ۳(۴)، صص ۴۵-۶۵.
۵. سورمه، سولماز؛ مشهدی خدادادی، علی؛ خاکی، ایمان؛ مومنی، محمدتقی. (۱۳۹۹). "بررسی ارتباط بین مدیریت سود و افشای داوطلبانه"، دومین کنفرانس ملی ایده های نوین و پژوهش های کاربردی در علوم انسانی، رشت.
۶. شاهعلیزاده، بیتا، زنجیردار، مجید، جوانمرد، حبیب الله. (۱۳۹۲). بررسی کارایی نسبت دوپونت تعدیل شده آن برای پیش بینی سودآوری شرکت ها در هر یک از مراحل چرخه عمر شرکت، دومین همایش ملی مدیریت نوین، شیراز.
۷. فتوره چی، زهرا؛ پناهی، داود؛ صورآذر، ابراهیم. (۱۳۹۶). "ارتباط بین اندازه شرکت و افشای داوطلبانه پایداری محیط زیست: شرکت های صنعتی آلاینده پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار"، چهارمین کنفرانس بین المللی برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، تهران.
۸. قائمی، محمدحسین؛ محمدرضایی، زهرا. (۱۳۹۵). "بررسی ارتباط بین افشای نسبت های مالی در گزارش های سالیانه و نظام راهبری شرکت"، دانش حسابرسی، ۱۶(۶۲)، صص ۱۷۷-۱۹۲.
۹. کاشانی پور، محمد؛ کریمی، حسن؛ کریمی، ولی الله. (۱۳۹۳). "بررسی ارتباط بین ساختار هیأت مدیره و مالکیت شرکت با افشای اختیاری پژوهش های تجربی حسابداری"، ۴(۲)، صص ۱۶۷-۱۸۶.
۱۰. مقامی، علیرضا؛ حسن نتاج، علی. (۱۳۹۴). "بررسی محتوای اطلاعاتی نسبت های حسابداری در ارتباط با پیش بینی سودآوری آتی"، همایش ملی نوآوری مالی و توسعه مالی، بابل.
۱۱. مهدوی، غلامحسین؛ علیزاده طلائی، وحید. (۱۳۹۴). "بررسی رابطه ی بین حاکمیت شرکتی و سطح افشای داوطلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پیشرفت های حسابداری، مقاله ۸، ۷(۱)، صص ۲۰۱-۲۲۸.
12. Bin Abdullah, A. and Nor Izah Ku Ismail, K. (2008). "**Disclosure of Voluntary Accounting Ratios by Malaysian Listed Companies**", Journal of Financial Reporting and Accounting, Vol. 6 No. 1, pp. 1-20.
13. El-Diftar, D., El-Diftar, D., Jones, E., Jones, E., Ragheb, M., Ragheb, M.,... & Soliman, M. (2017). "**Institutional investors and voluntary disclosure and transparency: the case of Egypt**". Corporate Governance: The International Journal of Business in Society, 17(1), 134-151.
14. Haddad, Ayman E.; Baalbaki Shibly, Fatima; Haddad, Ruwaidah (2020). "**Voluntary disclosure of accounting ratios and firm-specific characteristics: the case of GCC**". Journal of Financial Reporting and Accounting, 18(2), 301-324. doi:10.1108/jfra-04-2019-0055.
15. Healy, P. M., & Palepu, K. G. (2001). "**Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature**". Journal of accounting and economics, 31(1-3), 405-440.
16. Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). "**Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure**". Journal of financial economics, 3(4), 305-360.
17. Lan, Y., Wang, L., & Zhang, X. (2013). "**Determinants and features of voluntary disclosure in the Chinese stock market**". China Journal of Accounting Research, 6(4), 265-285.
18. Lang, M., & Lundholm, R. (1993). "**Cross-sectional determinants of analyst ratings of corporate disclosures**". Journal of accounting research, 31(2), 246-271.

19. Lemma, Tesfaye T.; Feedman, Martin; Mlilo, Mthokozisi; Park, Jin Dong (2018). **“Corporate carbon risk, voluntary disclosure, and cost of capital: South African evidence”**. Business Strategy and the Environment, (), -. doi:10.1002/bse.2242.
20. Moumen N., Hakim B.O. Khaled H. (2015). **“The value relevance of risk disclosure in annual reports: Evidence from MENA emerging markets”**, Research in International Business and Finance 34, pp 77–204.
21. Patell, J. M. (1976). **“Corporate forecasts of earnings per share and stock price behavior: Empirical test”**. Journal of accounting research, 246-276.
22. Petersen, C., and T. Plenborg. (2006). **“Voluntary disclosure and information asymmetry in Denmark”**. Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, Vol. 15, pp. 127-149.
23. Satta, Giovanni and Parola, Francesco and Profumo, Giorgia and Penco, Lara (2015). **“Corporate governance and the quality of voluntary disclosure: Evidence from medium-sized listed firms”**, International Journal of Disclosure and Governance, 12(1), 144-166.
24. Taylor, G., & Tower, G. (2011). **“Determinants of financial ratio disclosure patterns of Australian listed extractive companies”**. Australian Accounting Review, 21(3), 302-314.
25. Uyar, A, Kilic, M, Bayyurt, N. (2014). **“Association between firm characteristics and corporate voluntary disclosure: Evidence from Turkish listed companies”**, Mniascience, Intangibal Capital, 9 (4), 1080–1112.
26. Wallace, R. O., Naser, K., & Mora, A. (1994). **“The relationship between the comprehensiveness of corporate annual reports and firm characteristics in Spain”**. Accounting and business research, 25(97), 41-53.
27. Watson, A., Shrivs, P., & Marston, C. (2002). **“Voluntary disclosure of accounting ratios in the UK”**. The British Accounting Review, 34(4), 289-313.
28. Zaini, S., Samkin, G., Sharma, U. and Davey, H. (2018). **“Voluntary disclosure in emerging countries: a literature review”**, Journal of Accounting in Emerging Economies, Vol. 8 No. 1, pp. 29-65.

Relationship between company-specific characteristics and voluntary disclosure of accounting ratios

Alireza Eskandari ^{*1}

Mohammad Mohammadi ²

Hojjat Bakhshizadeh Mahmoudi ³

Date of Receipt: 2022/02/14 Date of Issue: 2022/03/15

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between company-specific characteristics and voluntary disclosure of accounting ratios. The spatial realm of companies listed on the Tehran Stock Exchange and the realm of time between 1393 and 1399 and 136 companies have been selected as a statistical sample by the method of systematic elimination. For data collection, reference to financial statements, explanatory notes and stock exchange monthly, and in order to describe and summarize the data, descriptive and inferential statistics have been used. In data analysis, F-Limer test, Hausman test and to confirm and reject the hypotheses (Ives software) have been used. The results showed that between the specific characteristics of the company, including the size of the company; Profitability; Financial Leverage; There is a significant relationship between liquidity and company efficiency with voluntary disclosure of accounting ratios.

Keywords

Voluntary disclosure of accounting ratios, company size, profitability, financial leverage, liquidity.

1 .Assistant Professor of Accounting, Rassam Institute of Higher Education, Karaj, Iran. (Responsible author: a.eskandari@rasam.ac.ir).

2 .Accounting Department, Parandak Institute of Higher Education, Saveh, Iran. (MKZ.mohamadi@gmail.com)

3 .Master student of accounting, Parandak Institute of Higher Education, Saveh, Iran.